

اصل صحت در عبادات از نظر اهل سنت

دکتر محمد روشن^۱

محمد ظاهر محمدی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

چکیده

اعمال انسان به سه بخش عبادات و معاملات و عادات تقسیم می‌گردد. دستورات دین عبارت‌اند از واجب، مستحب، مکروه، مباح و حرام. در این مقاله به موضوع عبادات که سبب نزدیکی انسان به خدا و اجر اخروی می‌گردد؛ می‌پردازیم. زیرا مکلف باید بداند که آیا می‌تواند در موضوع عبادت تغییر ایجاد نماید یا خیر و نیز در صورت ایجاد شک در موضوع عبادات باید به چه اصلی استناد نمود تا مکلف از شک خارج شود. فقها اصالة الصحة را در معاملات و عادات قابل اجرا می‌دانند که در این مقاله امکان استناد به این اصل در عبادات از دیدگاه فقهای اهل سنت مورد بررسی قرار می‌گیرد و اختلاف نظر مذاهب اهل سنت در زمینه بطلان و فساد در عبادت و نظرات گوناگون در این خصوص و نیز اقسام و شروط عبادت و آثار مرتبط بر فساد در عبادت را بررسی نموده و با استناد به منابع موجود به عدم امکان استناد به اصالة الصحة و دلایل فقهای مذاهب اهل سنت در زمینه عبادات خواهیم پرداخت و در پایان اصل مورد تبعیت آنان در عبادت که عبارت است از اصالة المنع می‌باشد مورد بررسی و مناقشه قرار خواهد گرفت.

کلمات کلیدی: صحت، فساد، بطلان، عبادت، اصالة الصحة، اصالة المنع، اهل سنت.

۱- رئیس دانشگاه سوره و دانشیار پژوهشکده خانواده، گروه آموزشی مطالعات بنیادین و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی.

*۲- وکیل دادگستری و عضو هیأت مدیره کانون کردستان، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی.



مقدمه

دین به‌عنوان راهگشای انسان در تمامی ادوار زندگی و چراغ راه هدایت وی برای جهان آخرت دستوراتی را به اشکال واجب و مستحب و مباح و مکروه و حرام صادر نموده و تمامی جنبه‌های زندگی انسان را مدنظر قرار داده است و از طرفی افعال انسان نیز مشتمل بر عادات و معاملات و عبادات بوده و همیشه با این پرسش روبرو بوده است که این فعل من آیا در دایره دین قرار دارد یا خیر و انجام این عمل برای زندگی اخروی من مفید است یا نه و در بسیاری از موارد دچار شک و شبهه موضوعی می‌شود بنابراین لازم است تا اصولی در دست داشته باشد و هر زمان دچار شک گردید با استناد به آن اصول تکلیف خود را مشخص نماید.

دایره معاملات بحث مفصلی را می‌طلبد و موضوع عادات نیز مورد بحث ما نیست اما در خصوص عبادات در این مقاله سعی داریم تا نظر علما و فقهای اهل سنت را در خصوص راهکار خروج از شک در افعال عبادی را مورد بحث قرار دهیم و نظرات مختلف این فقها را بیان نموده و در پایان راهکار مناسبی برای این پرسش‌های مکلف بیابیم که آیا امکان تغییر عبادات و یا کم‌وزیاد نمودن ارکان و شرایط آن وجود دارد یا نه و نیز در صورت پاسخ منفی دلیل این عدم امکان تغییر را بیان نماییم و در پایان اصل مورد نظر فقها را در خصوص عبادات مورد بررسی و مناقشه قرار دهیم.

بخش اول: تعاریف و طرح موضوع

الف- تعاریف

عبادت

عبادت در لغت

در دیکشنری آنلاین آبادیس آمده است: عبادت. [عِ دَ] [ع مص] عبادَةٌ. پرستش کردن. بندگی کردن. (منتهی الارب) (آندراج) (ناظم الاطباء). || طاعت و نهایت تعظیم برای خدای متعال. (از اقرب الموارد).¹

¹<http://dictionary.abadis.ir>



عبادات در اصطلاح

ابراهیم ابن موسی الشاطبی در کتاب موافقات می‌گوید: معنی عبادات توجه به سوی معبود با خضوع و تعظیم قلب و جوارح است. (شاطبی، ۲۰۰۴ م: ۴۱۵)

امام نووی در کتاب الیضاح فی مناسک الحج و العمره می‌فرماید: اصل عبادت طاعت است و حکمت این عبادات را گاهی مکلف با عقل می‌فهمد مانند نماز که حکمت آن خضوع و خشوع و اظهار بندگی نزد خدا است و گاهی نمی‌فهمد مانند سعی و رمی در حج که نه لذتی نفسانی دارد و نه عقل با آن انس دارد بلکه صرفاً بخاطر انجام دستور خدا آن را بجا می‌آورد. (النووی، ۱۹۹۴ م: ۳۱۷)

عبادات آن چیزهایی است که به انسان بر می‌گردد برای حفظ دینش مانند ایمان و نماز و حق خدا بر بندگان است همانگونه که در حدیث آمده است «حق الله علی العباد أن یعبده و لا یشرك به شیئاً» و عبادات مبنی بر توقیف و انحصار بر آن چیزی است که در نص شرع آمده است و لازم است که قصد قربت و اخلاص نیت و تبعیت از سنت داشته باشیم (ج ۹۳: ۴۱۳)^۱

صحت

صحت در لغت

صحت. [ص ح ح] (ع مص، امص) تن درست شدن. (مصادر زوزنی). هیئۀ یكون بها بدن الانسان فی مزاجه و ترکیبه بحيث یصدر عنه الافعال سلیمۀ. (بحرالجوهر). مقابل سقم و بیماری. سداد. تندرستی. سلامت. درستی. بشدن بیماری. برخاستن از بیماری. صحه. [ص ح ح] (ع مص) تندرست شدن پس از بیماری. (متهی الأرب). تن درست شدن. (تاج المصادر بیهقی) (مهذب الاسماء)؛ و در کشف اصطلاحات الفنون آرد: صحت و مرض از کیفیات نفسانیه است و ابن سینا گوید صحت ملکه و یا حالتی است که بدان افعال بدرستی صادر شود؛ و ملکه صحت است بالاتفاق، اما در حالت خلاف است که آیا خود صحت است و یا واسطه صحت باشد و نیز ابن سینا گوید: صحت ماهیتی است که بدن انسان در ترکیب مزاج چنان باشد که افعال از آن صحیح و سالم صادر شود و مرض خلاف صحت است. (تلخیص از کشف اصطلاحات

^۱. <https://www.aahlalheeth.com>



الفنون)؛ و رجوع به ذیل تذکره ضریر انطاکی شود. (اصطلاح کلام) بودن فعل است موافق امر شارع خواه آن فعل مسقط قضا باشد یا نه. (کشاف اصطلاحات الفنون)^۱

صحت، مخالف سقم یا مرض است وقتی می‌گوییم شخصی صحیح، مخالف آن شخصی مریض است و جمع آن اصحاء است و صحت در بدن منظور حالتی طبیعی است که افعال شخص بر مجرای طبیعی آن استوار است وقتی می‌گوییم گفته‌ای صحیح است یعنی مطابق با واقع است و صحیح همان حق و مخالف باطل است (ج ۱۱۲: ۱۹۶)^۲

صحت در اصطلاح

بحث صحت تنها در موافقت با امور دو وجهی شرعی است و تفاوتی ندارد که این امور عبادی یا معاملی باشد بنا براین آنچه دارای دو وجه نیست نمی‌تواند موضوع صحت و فساد باشد مانند شناخت خداوند و بازپرداخت ودیعه، زیرا یا خدا را می‌شناسد یا نمی‌شناسد و یا ودیعه را مسترد می‌دارد یا مسترد نمی‌کند؛ اما نماز و روزه این گونه نیست و بر دو وجه است زیرا یا تمامی شروط در آن جمع و موانع در آن منتفی است که صحیح بوده و یا چیزی از این موارد در آن مختل است که فاسد نامیده می‌شود زیرا فعل مرکب با انتفاء جزئی از آن منتفی می‌شود به همین خاطر پیامبر به کسی که اشتباه نماز خواند فرمود «ارجع فصلاً فانک لم تُصلِّ» یعنی برگرد و نمازت را بخوان زیرا تو نماز نخوانده‌ای. (المرداوی، ۲۰۰۰ م، ج ۳: ۱۰۸۶)

علمای اصول، صحت را وصفی برای فعل مکلف می‌دانند اگر تمام شرایط در آن جمع باشد و این از احکام وضعی و عقلی می‌باشد. (السبکی، ۲۰۰۳ م، ص ۲۶) و (جرجانی، ۱۳۷۰، تهران: ۵۷)

فساد

فساد در لغت

فساد. [ف] [ع مص] تباه شدن. (ترجمان علامه جرجانی) (منتهی الارب). ضد صلاح. (از اقرب الموارد). || به ستم گرفتن مال کسی را. || (مص) تباهی. (منتهی الارب). || خشکسال فاسد تباه. ج، فُسدی.

^۱ <http://dictionary.abadis.ir>

^۲ <https://www.ahlalheeth.com>



(منتهی الارب) گزند و زیان. || ظلم و ستم. (فرهنگ فارسی معین) ناظم الاطباء. || شرارت و بدکاری. (فرهنگ فارسی معین) در معنای تباهی و ضد صلاح به کار رفته است... تاب العین، واژه «فسد» (برخی لغویان گفته‌اند: فساد عبارت است از خروج از حدّ اعتدال، کم باشد یا زیاد...) لسان العرب، واژه «فسد». ین معنا در نفس و بدن و اشیایی که خروج از استقامت و حدّ اعتدال در آنها متصور است به کار می‌رود. (المفردات راغب، واژه «فسد»). فساد در لغت مخالف صلاح است. مفسده خلاف مصلحت است. ارشیو ملتقی اهل الحدیث (ج ۱۱۲: ۹۶)^۱

فساد در اصطلاح

اصولیین در معنی اصطلاحی فساد دچار اختلاف شده‌اند و در نهایت در تعریف سبکی که می‌گویند «وقوع الفعل ذوالوجهین موافقاً لامر الشرع» توافق نموده‌اند که معنی آن این است که وقوع کاری دارای دو جنبه موافق و مخالف شرع که موافق شرع باشد و این تعریف جامع و مانع است و شامل صحت در عبادت و صحت در عقد و سایر تصرفات شرعی هم می‌شود حنفیه قیدی را به این تعریف اضافه نموده‌اند که همانا اندفاع قضاء می‌باشد... (ارشیو ملتقی اهل الحدیث ج ۱۱۲: ۱۹۶)^۲

باطل

باطل در لغت

باطل. [ط] (ع ص) مقابل حق. (تاج العروس) (اقرب الموارد) (منتهی الارب). ج، باطیل. دروغ. نادرست. (مهذب الاسماء) (لغات قرآن جرجانی). خَزَعِبِل. (منتهی الارب). خَزَعِبِل. (منتهی الارب). چیزی که پس از تفحص و تحقیق دانسته شود که حقیقت و ثباتی ندارد. قال الله تعالی: لا تلبسوا الحق بالباطل. (قرآن ۲/۴۲). ناحق. (آندراج). ژاژ. ناروا. لغو. بیهوده. بیهوده. (صحاح الفرس). قلب. یاوه. عبث. هرزه. پوچ. نبیره. ناراست. ناصواب. خطا.^۳

^۱ <https://www.ahlalhddeeth.com>

^۲ <https://www.ahlalhddeeth.com>

^۳ <http://dictionary.abadis.ir>



در موسوعه الفقه المصریه آمده است: نقض و الغاء و فساد و ازاله است وقتی می‌گوییم ابطال الشیء یعنی آن را باطل ساخت و اثر ابطال بطلان است که به معنی ضیاع و خسران می‌باشد (ج ۱: ۳۳)^۱

باطل در اصطلاح

فقهاء باطل را به معنی الغاء و فساد و نقض به کار می‌برند و محل آن افعال شرعیه مانند نماز و روزه و حج و اقوال است وقتی می‌گویند عقدش را باطل ساخت یعنی آن را نقض کرد و فاسد ساخت یا از ادامه آن عدول نمود وقتی می‌گویند نمازش را باطل ساخت یعنی آنرا به گونه‌ای فاسد ساخت که از نظر شارع فاسد و غیر مجاز است بنا بر این آنچه از نظر شرعی انجام داده فاقد اثر شرعی می‌باشد که شارع در صورت صحت بر آن مترتب می‌ساخت و معنایش در تصرفات شرعیه انجام آنها بر خلاف آنچه شارع خواسته است و تفاوتی ندارد که این خلاف نسبت به ارکان و عناصر اساسی آن باشد یا متعلق به صفات عارضی شارع وجود آنها را واجب دانسته است. (علی بن محمد آمدی و سیف‌الدین الامدی، ۱۳۸۷ ق، ج ۱: ۱۸۷)

بر این مبنا شافعیه و حنبلیه و مالکیه و زیدیه اتفاق نظر دارند؛ اما حنفیه معتقدند که اگر مخالفت شارع در ارکان باشد باطل و اصلاً غیر مشروع است اما اگر مخالفت با صفات عارضی باشد باطل نمانده نمی‌شود بلکه فاسد نام دارد و باطل نیست. (المقدسی، ۱۹۹۳ م، ج ۱: ۱۶۴)

ب: طرح موضوع

رفتارهای انسان به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- عبادت ۲- معاملات ۳- عادات هستند و در هر سه مورد در هنگام شک موضوعی برای فهم نظر اولیه شارع بایستی اصلی را ملاک قرار داد، فلذا از بین احکام پنج گانه شرع که عبارتند از واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح باید بررسی شود که در هر کدام از رفتارهای انسان کدامیک از این موارد پنج گانه اصل و اساس می‌باشد. (الصَّلَابِی، ۲۰۰۱ م: ۳۹۸) در این مقاله به موضوع عبادت از منظر علمای اهل سنت می‌پردازیم؛ بدو لازم است که ارکان و اقسام عبادت مورد کنکاش قرار گیرد.

^۱ shamela.ws/index.php/book/437



بخش دوم: اقسام و شروط عبادت

الف: اقسام عبادت

عام که شامل کفار هم می شود (إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا) [مریم: ۹۳]
خاص، شامل تمام کسانی که بنا به دستور شرع عبادت می نمایند (وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى
الْأَرْضِ هَوْنًا) [الفرقان: ۶۳]
خاص الخاص که منظور عبادت پیامبران است که در مورد نوح می فرماید (إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا)
[الإسراء: ۳]، (الصلاهی، ۲۰۰۱ م: ۳۸۹)

الحریقی در کتاب التوحید و اثره فی حیاة المسلم می فرماید: عبادات چهار دسته هستند:

- ۱- عبادات قلبی که مناط آنها قلب است. {وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ} [سورة البقرة، الآية: ۱۶۵]
- ۲- عبادات زبانی که متعلق به زبان هستند؛ مانند ذکر که حقیقت ذکر حضور مذکور در قلب ذاکر است و مخالف آن غفلت و فراموشی است. {وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي} [سورة طه، الآية: ۱۴]. {وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ} [سورة الأعراف، الآية: ۲۰۵]
- ۳- عبادات عملی که به وسیله اعضای بدن انجام می شوند؛ مانند نماز و روزه {وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ} [سورة البقرة، الآية: ۴۳]
- ۴- عبادات مالی که متعلق به اموال می باشند؛ مانند صدقه و قربانی و زکات {وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ} [سورة التوبة، الآية: ۳۴]. (التوحید و اثره فی حیاة المسلم، ۱۹۹۳ م: ۵۴ تا ۶۰)

ب- شروط عبادت

شروط عبادت دو گونه اند شروط عام و شروط خاص در خصوص شرط خاص گفت که هر عبادتی باید بر اساس دستورات مرتبط با خود انجام شود و این دستورات از عبادتی به عبادت دیگر متفاوت هستند اما شروط عام عبادت به شرح زیر می باشند:



شیخ بصری در کتاب المعتمد فی اصول الفقه می‌فرماید: شروط عبادت آن چیزهایی هستند که عبادت متوقف بر آنها است و این شروط دو گونه هستند یا جزئی از عبادت هستند مانند رکوع و سجود که جزئی از نماز است و یا جزئی از عبادت مورد نظر نیستند مانند وضو که جزئی از نماز نیست؛ و هرکدام از این دو گونه اجزاء اگر ساقط شوند باعث از بین رفتن عبادت خواهند شد. (البصری المعتزلی، ۱۴۰۳: ۱۴: ۴۱۴)

شیخ محمد بن صالح بن محمد العثیمین در سلسله درسهای خود در خصوص شروط عبادت می‌فرماید:

تمامی عبادات صحیح نیستند و مورد قبول قرار نمی‌گیرند مگر با دو شرط اساسی:

شرط اول- اخلاص برای خدای تعالی زیرا کسی که انسان با عبادت خود باید رضای خداوند را و وصول به دار کرامت را مورد نظر داشته باشد و چیزی از امور دنیوی را مدنظر نداشته باشد همانگون که خداوند می‌فرماید: {مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا نُوفًا إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ} * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ} [هود: ۱۵-۱۶] وقال تعالى: {مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ} [الشوری: ۲۰] و از آن جمله است کسانی که به حج می‌روند اما برای گردش و تفریح یا به نیابت از دیگری بخاطر مال دنیا و هرکس با عمل خود که با آن به خدا نزدیک می‌شود چیزی از دنیا را بخواهد از وی قبول نخواهد شد.

شرط دوم - تبعیت از رسول گرامی است زیرا هرگونه عبادتی از شخص قبول نخواهد شد مگر آنکه مانند رسول خدا آن را انجام دهد خداوند می‌فرماید: {أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنْ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ} [الشوری: ۲۱] و رسول گرامی نیز فرموده است: (من عمل عملاً ليس عليه أمرنا فهو رد). کسی که کاری انجام دهد که من به آن دستور نداده باشم کارش مردود است.^۱

^۱ <http://www.islamweb.net>



بخش سوم: تفاوت بین فساد و بطلان

الف: معنای فساد و بطلان

ابطال اعم از فسخ است و ابطال در اثنای مباشرت و پس از تمام شدن است در حالیکه فسخ تنها پس از تمام شدن کار ایجاد می شود پس هر فسخی ابطال است اما هر ابطالی فسخ نیست.^۱

ابطال ایجاد نخواهد شد مگر با سببی که شرعاً مبطل باشد یا با سببی که شارع بر آن در صورت تحقق حکم ابطال مترتب نموده باشد. پس نمازگزار یا روزه دار یا حاجی نمی تواند عملش را باطل کند مگر با چیزی که شارع به عنوان باطل کننده قلمداد نموده باشد. (البهوتی، ۲۰۰۳ م، ج ۱: ۵۲۸)

اگر نماز گزار به آسمان نگاه کند یا با یک پا قیام کند نمازش را نمی تواند باطل کند یا اینکه روزه دار با خوردن از روی غفلت یا حاجی با پوشیدن لباس دوخته شده در هنگام احرام نمی تواند روزه یا نمازش را باطل کند زیرا شارع بر این اعمال چیزی مترتب ننموده است. (الخصاص الحنفی، ۱۹۹۴ م، ج ۳: ۲۱۹)

و این شخص تصمیم گیرنده نیست بلکه شارع باید تصمیم بگیرد. بنا بر این ملاحظه می شود که جز در حج و عمره اگر عملش را باطل ساخت باید آن را دوباره بجا آورد از نظر ابو حنیفه و مالک بنا بر گفته خداوند که می فرماید (لا تبطلوا اعمالکم) (محمد آیه ۳۳) و شافعی و احمد معتقدند که مستحب است آن را تمام کند و اگر آنرا باطل ساخت قضاء الزامی نیست و منظور آیه از ابطال همانا ابطال ثواب است به واسطه منت گذاشتن یا ریا باید اما حج و عمره لازم است که ادامه یابد و اعاده شود. (القرطبی، ۱۹۶۴ م، ج ۱۶: ۲۵۵)

ب: اختلاف نظر فقهاء در خصوص فساد و بطلان در عبادت

اشکال یا در ارکان و محل و عدم تحقق معنا است یا اشکال در وصفی است که ملازم تصرف و عارض بر آن است یا اینکه این اشکال به واسطه امری مجاور و غیر لازم که بر آن نیز مشروط نیست بلکه صرفاً مجاور آن می باشد که این حالت‌های سه گانه در مورد اول اثر آن بطلان است و تمامی مذاهب بر آن اتفاق نظر دارند مانند بیع مرده و عقد مجنون در مورد دوم از نظر حنفیه فاسد و از نظر بقیه باطل است مانند بیع مدت پرداخت ثمن به چیزی سهل تر و این موضع خلاف بین حنفیه و سایر مذاهب است که همه این مورد را

^۱ برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: أحمد بن محمد بن علی الفیومی المقری، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ۱۹۸۷ م بیروت، لبنان، مکتبه لبنان، ماده فسخ. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، ۲۰۰۷ م، دار الکتب العلمیه، ماده فسخ. حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، ۲۰۰۳ م، قاهره، مصر، دارالسلام، ماده فسخ.



باطل یا فاسد به صورت مترادف می‌دانند و در اکثر ابواب فقه نیز این گونه ذکر شده است. (المقدسی، ۱۹۹۳، م، ج ۱: ۱۶۴)

اما مخالفت با مورد سوم نتیجه آن نه فساد و نه بطلان است نزد حنفیه و مالکیه و شافعیه و تنها از نظر امام احمد به موجب روایتی موجب کراهت است و به موجب روایتی دیگر موجب بطلان و فساد است و این متعلق به تصرفات شرعیه عمومی جز نکاح است چون از نظر همگی بین فاسد و باطل در نکاح تفاوتی نیست و گاهی مخالفت با دستور شارع را فاسد و گاهی باطل می‌نامند و تفاوتی ندارد که مخالفت با اصل عقد باشد یا با وصف آن مانند مورد نکاح موقت اما در افعال شرعیه مانند نماز و روزه جز حج انجام این امور چنانچه مخالف با دستور شرع باشد بدون مجوز تلقی شده و ذمه بری نخواهد شد و امتثال دستور مطلوب یا طاعت واجب انجام نشده است. (الدسوقی المالکی، ج ۱: ۱۲۲)

تفاوتی ندارد که مرجع نهی بخاطر فقدان رکنی از ارکان یا شرطی از شروط یا وجود آن بر اساس وصفی که از نظر شرع مکروه بوده باشد و در چنین صورتی گاهی باطل و گاهی فاسد می‌نامند مثلاً در نماز بدون رکوع یا نماز بدون طهارت یا نماز همراه با کشف عورت باطل یا فاسد است و تفاوتی بین وصف و اثر قرار نمی‌دهند. (الشوکانی الیمنی، ۱۹۹۹ م: ۱۰۴)

اما در مورد حج بین باطل و فاسد تفاوت قائل هستند زیرا در حج فاسد انجام دوباره همراه با ذبح را بر حاجی واجب می‌دانند زیرا انجام دوباره بخاطر اشکالی است که در آن بوجود آمده نه در عدم حج (ابن عابدین، ۱۴۰۶ ه، ج ۲: ۲۲۸، ۲۲۹)

ملاحظه می‌شود که مخالفت اگر راجع به فقدان رکنی یا فقدان معنی تصرف باشد اثر آن از بین رفتن مطلوب و عقد مورد نظر است پس نمازی که فاقد ارکان باشد نماز شمرده نمی‌شود و همینطور عقدی که فاقد ارکان باشد عقد شمرده نمی‌شود و در این صورت باطل شمرده می‌شود می‌گوییم نماز باطل یا عقد باطل است پس اگر کسی نماز بدون رکوع خوان نمی‌گوییم نمازش را باطل کر یا اگر کسی بدون کالا آن را فروخت نمی‌گوییم عقدش را باطل ساخت پستیجه می‌گیریم که ابطال فعل یا قول را باطل می‌سازد و آنرا از نظر شارع معدوم می‌سازد.

دوم اینکه از نظر حنفیه ابطال هنگامی است که به واسطه سببی مانند خللی بر فعلی یا تصرف پس از اینکه به صورت صحیح شروع شده با از بین رفتن رکنی از ارکان بوجود آید مانند اینکه شخصی نمازش را



صحیح شروع کند سپس رکوعی یا سجودی را ترک کند یا روزه را صحیح شروع کند سپس عامداض چیزی بخورد یا حج را شروع کند سپس مرتد شود یا بفروشد سپس بیعش را با خیار مجلس یا خیار شرطی که برای خودش قائل شده باطل نماید یا ازدواج کند سپس ازدواجش را با مرتد بودن یا خیار بلوغ باطل کند پس تمام اینها باطل کردن است در حالیکه به صورت صحیحی شروع شده است اینها همه مثال هایی برای ابطال بود اما مثال برای افساد هنگامی است که چیزی فاسد کننده از نظر شرع را به کارش اضافه نماید مانند اینکه شروع به نماز کند سپس صحبت نماید یا از قبله کاملاً منحرف شود یا روزه بگیرد اما در حال روزه جماع کند یا در حال حج جماع نماید همه اینها نزد حنفیه فساد است و ابطال نیست زیرا خللی به اصل فعل یا تصرف وارد نشده بلکه به وصفی از اوصاف وارد شده و غیر حنفیه در این خصوص حنفیه گفته اند: معامله باطل و فاسد با یکدیگر فرق دارد. باطل آن است که اصل آن تشریح نشده است مثل بیع معدوم. فاسد آن است که اصل آن تشریح شده ولی به خاطر وصفی ممنوع شده است، مثل بیع ربوی. (القواعد ابن لحنان، ص ۱۵۳ و روضه الناظر، ج ۱: ۱۸۳)^۱

بخش چهارم: فساد و بطلان در عبادت

امام محمد غزالی در کتاب المستصفی می فرماید: وصف صحت و بطلان در دو جا کاربرد دارد یکی در عبادات و دیگری در عقود و آن گاه به تعریف متکلمین و فقهاء از این موضوع در عبادات پرداخته و می گوید: از نظر متکلمین صحیح آن چیزی است که موافق شرع باشد قضای آن واجب باشد یا خیر تفاوتی ندارد اما نزد فقهاء عبادت صحیح آن عبادتی است پاداشی داشته باشد و قضایش ساقط شده باشد و در توضیح این مطلب اضافه می نماید که نماز کسی که خود را پاک می پندارد نزد متکلمین صحیحی است زیرا طبق دستور شرع تکلیف خود را انجام داده است اما اینکه قضای این نماز طبق دستور جدیدی واجب باشد از اسم صحت از آن مشتق نشده است؛ اما این نماز نزد فقهاء فاسد است زیرا پاداشی ندارد و نیز همان گونه است اگر کسی نمازش را برای نجات غرق شده ای قطع کند چنین نمازی نزد متکلمین صحیح و نزد فقهاء فاسد است و این اصطلاحاتی که نام بردیم اگرچه در پایان آنها اختلاف وجود دارد لکن این اختلاف غیر موثر است زیرا این معنی که آن را ذکر کردیم نزد همگی متفق علیه می باشد. (المستصفی، ۱۹۹۳، ج ۱: ۳۱۷)

امام ابوالمعالی جوینی در کتاب التلخیص فی اصول الفقه می فرماید: صحیح از نظر متکلمین آن چیزی است که موافق با معنای شریعت واقع می شود و فاسد آن چیزی است که مخالف قضیه شرعی باشد بنا بر

^۱ <https://makarem.i>



این فساد آن چیز نیست که قضایش لازم باشد و همانگونه صحت متضمن نفی وجوب قضاء نیست. (امام الحرمین جوینی، ۱۹۹۷ م: ۱۷۱)

امام تاج الدین سبکی در کتاب جمع الجوامع می فرماید: صحت موافقت با شرع می باشد و مقابل آن بطلان که همان فساد است می باشد. (سبکی، ۲۰۰۳ م: ۱۲۶)

حسین ابن الجراحی در کتاب رفع النقاب عن تنقیح الشهاب می فرماید: در خصوص بطلان در عبادات مولف ساکت است زیرا آن را در بحث فساد مطرح نموده است زیرا نزد ما و شافعیه تفاوتی بین فساد و بطلان وجود ندارد زیرا این دو کلمه مترادف می باشند اما حنفی ها بین باطل و فساد تفاوت قائل هستند زیرا می گویند باطل آن چیزی است که بخاطر ذات آن نهی شده است اما فساد آن چیزی است که بخاطر وصف آن نهی شده است. (الرجراحی الشوشاوی، ۲۰۰۴ م، ج ۲: ۵۴ و ۵۵)

بخش پنجم: آثار مترتب بر فساد عبادت

بر فساد در عبادت آثار متعددی مترتب می شود که بستگی به نوع عبادت اثر خاص خود را بجا می گذارد این آثار عبارتند از:

الف - اشتغال ذمه:

که بعضی از فقهاء دستور به اعاده داده اند و اینهم در عبادتهایی است که وقت محدودی ندارند مانند زکات (دستور العلماء = جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون، ۲۰۰۰ م: ۲۵۱)

ب- انقضاء و اعاده:

در عبادتهایی که وقت تمام است مانند رمضان (فواتح الرحموت، ۲۰۰۲ م، ص ۸۶) و (المستصفی، همان: ۹۴ و ۹۵)

ج- اعاده:

در عبادتهایی که هنوز وقت باقی است مانند نماز در خلال مدت (جمع الجوامع، همان: ۱۰۹ - ۱۱۸)

د- قضاء:



در عبادتهایی که وقت مقرر آن گذشته است مانند قضای نمازی که وقت محدودش گذشته است. (شرح البدخشی علی منهاج الوصول فی علم الأصول، ۱۹۹۳ م: ۶۴)

ه- انجام بدل:

در عبادتهایی که وقت ثابت آن گذشته ولی هنوز وقت محدودش باقی است مانند نماز جمعه که باید بدل آن نماز ظهر خوانده شود. (جواهر الإکلیل شرح مختصر الخلیل، ۱۳۳۲ ق: ۹۷)

و- عقوبت دنیوی:

در بعضی از عبادات مانند کفاره در افطار تعمدی با جماع در ظهر رمضان (الشیرازی، ۲۰۰۰ م: ۱۹۰)

ز: عدم ادامه فاسد مگر در روزه و حج:

مکلف نباید عبادت فاسد را ادامه دهد چون عملی لغو است تنها در روزه فاسد باید در روزه امساک نمود و در حج فاسد را نیز آن را همانند سایر حجاج ادامه داد و قضای هر دو را نیز به جا آورد. (ابن النجار، ۱۹۹۹ م: ۴۵۱)

ح- ایجاد فساد ثانوی:

امکان دارد که فساد عبادتی، فساد در عبادت دیگری را نیز بدنبال داشته باشد مانند نقض وضو که نقض نماز را نیز به دنبال دارد. (الشیرازی، همان: ۱۸۲)

ط - حق استرداد:

در عبادت زکات اگر مالی به غیر مستحق داده شده باشد امکان استرداد آن مال وجود دارد. (التغلیبی الشیبانی، ۱۹۸۳ م: ۲۶۶)

بخش ششم: اصل در عبادت

اصل در عبادات چیست؟

استاد ولید السعیدان در کتاب تلخیص الاحکام بشرح القواعد الفقهیه می فرماید: اصل در عبادت منع و محضوریت است مگر اینکه دلیلی وجود داشته باشد و اصل در معاملات حلال بودن و اباحه است مگر اینکه



دلیلی وجود داشته باشد بنا بر این نمی توان عبادتی اختراع نمود که اصلی نداشته باشد و یا صفتی برای آن اختراع نمود و یا شرطی در آن قرار داد مگر با دلیل صحیح و صریح.

زیرا خداوند دستور داده است که ما فرایض و واجبات و سنت ها را انجام دهیم و برای ما پیامبران فرستاد و با کتابهایش ما را راهنمایی نمود و برای عقل ما مدخلیتی در باب عبادت قائل نشد زیرا عقل مستقل نیست برای فهم آنچه باید عبادت شود و آنچه نباید عبادت شود پس کسی که عبادت را برایمان واجب نمود صفت و شرط عبادت را نیز بیان نموده که تنها با این شروط و صفات صحیح می باشند زیرا شروطی برای عبادت وجود ندارد مگر آنچه از طرف خدا تشریح شده باشد مثلاً شرط وجود ۴۰ نفر برای نماز جمعه یا شرط شستن ۷ بار برای غسل نجاست. (ولید السعیدان، ج ۲: ۱ تا ۴)^۱

امام نووی معتقد است که اصل در عبادت توقیف است و در توضیح این نکته می افزاید: عبادت باید همان گونه که خدا و رسولش انجام داده اند و بدون کم و زیاد نمودن چیزی بر آن انجام شود و گرنه مشمول این آیه قرآن خواهیم گردید که می فرماید {أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ} (القواعد النورانية: ۷۸ و ۷۹)

و نیز ایشان در شرح نووی حدیثی از خلیفه دوم نقل می نماید در حالی که سنگ حجر الاسود را می بوسد و برای اینکه مردم عبادت سنگ ها را باستناد رفتار وی شروع نمایند چنین می فرماید: (لقد علمت أنك حجر وإنی لأعلم أنك حجر وأنک لا تضر ولا تنفع) یعنی پیامبر می دانست که تو سنگی و من نیز می دانم که تو سنگ هستی و هیچ ضرر و نفعی نداری. (شرح النووی علی صحیح مسلم ج ۳: ۳۹۷)

و نیز عبدالله بن محمد الغنیمان در کتاب شرح فتح المجید للغنیمان می فرماید: جایز نیست که انسان چیزی به عبادت بیافزاید مگر آنکه مشروع باشد زیرا اصل در عبادت توقیف است تا زمانی که دلیلی بر مشروعیت یافت شود زیرا اضافه نمودن بر عبادات بدعت محسوب شده چون هر عبادتی که وحی برای آن نیامده باشد بدعت است و پیامبر نیز فرموده است (من عمل عملاً لیس علیه أمرنا فهو رد)، یعنی امری که غیر شرعی بوده و دستوری در کتاب و سنت نسبت به آن داده نشده باشد نسبت به صاحبش مردود است. (شرح فتح المجید)^۲

^۱ www.eshia.ir

^۲ <http://www.archive.org/details/Gonaiman-Majeed>



الحازمی می‌فرماید: قاعده ششم آن است که اصل در عبادات حظر بنا بر این شرعی نیست آنچه خدا و رسولش مشروع ندانسته باشند و اصل در عادات اباحه است و چیزی از آنها حرام نیت مگر آنچه خدا و رسولش حرام دانسته باشند و در توضیح می‌افزاید عبادت در استحباب و دستور منحصر است و نمی‌توان چیزی را مستحب یا واجب دانست مگر با دستور شرع و تفاوتی ندارد که عبادت قولی یا فعلی باشد.^۱

البسام التمیمی می‌فرماید: اصل در عبادات تعبد است بدون توجه به معانی آنها و دلیل این امر دو چیز است یکی استقراء مانند نماز که مخصوص به افعال خاصی است که اگر خارج از آنها انجام شود عبادت محسوب نخواهد شد زیرا آن دعاهای مخصوص در شکل خاص آن مطلوب است و خارج از آن مطلوب نیست.

و دلیل دوم اینکه عقلاء مانند بحث عادات نمی‌توانند هدایت شوند و بسیاری در این خصوص به ضلالت و گمراهی می‌افتند و سپس همانند دین‌های سابق تغییر در این دین هم ایجاد خواهد شد و به این دلیل عقل به صورت مستقل قادر به درک معنی آنها نخواهد بود و چون این گونه است لذا نمی‌توان تغییری در آن ایجاد نمود مگر آنچه شارع اجازه داده است و عبادت کننده صرفاً باید از دستور شرع تبعیت کند تا همانند سلف سابق رستگار شود. (البسام التمیمی، ۲۰۰۳ م: ۹۹)

الصلابی معتقد است که با استقراء اصول شریعت از جمله این اصل که اصل در عبادات منع است مگر اینکه دلیلی بر مشروعیت وجود داشته باشد بنا بر این در عباداتی که خداوند واجب دانسته یا دوست دارد دستوری وجود ندارد مگر از سوی شرع و هر آن چه شرع به آن دستور نداده باشد منع شده است. (الصلابی، ۲۰۰۱ م: ۳۹۸)

نتیجه‌گیری

با استناد به عقاید این فقیهان مسلم گردید که در عبادات همانند معاملات نمی‌توان از قاعده اصالة الصحة و یا همانند عادات از قاعده اباحه استفاده نمود، زیرا برخلاف ماهیت معاملات که به امور جدید و مبادلات جدید گرایش دارد عبادات به امور تشریحی در گذشته نظر داشته و قرار نیست در آینده نوع عبادت تغییر نماید یا تعهد مکلفین اضافه و یا کم گردد، زیرا عبادات از سوی خداوند و تا زمان قیامت برای بشر وضع شده است بنا بر این هرگونه نوآوری و تغییر در آن بدعت محسوب شده و موجب ضلالت و گمراهی

^۱ <http://alhazme.net>



بنده شده و از طرفی موجب اختلاف در بین مومنین خواهد شد و این امر با اصل دین که منادی وحدت مومنین است منافات دارد و باید به این نکته توجه داشت که عبادات واجد جنبه مادی نیست و تنها بار معنوی دارد و مومن نباید بیشتر از آنچه که در قرآن و حدیث برایش مقرر شده بر تعهدات خود بیافزاید و از این راه موجب تششست و تفرقه جامعه مسلمانان گردد و از طرفی ماهیت عبادات دو وجهی نیستند بلکه دارای یک وجه بوده و چنانچه عبادتی با شروط و ارکان خود انجام شود صحیح و در غیر این صورت باطل می باشد و اصالة الصحة تنها در امور دو وجهی کاربرد دارد و نیز همانند عادات نمی توان از اصل اباحه استفاده نمود و هر گونه عبادتی را که منع نشده باشد را مباح دانست زیرا این نظر موجب ایجاد بدعت و تششست مسلمانان شده و پایه گذار اختلاف خواهد شد بلکه برای جلوگیری از اختلاف مسلمانان بایستی به اصل دیگری که اصالة المنع یا حظر است استناد نمود و هر گونه رای و نظری را منع نمود مگر اینکه دلیل قاطعی از قرآن یا سنت در مورد آن وجود داشته باشد.

فهرست منابع

- آمدی، علی بن محمد و الامدی سیف‌الدین (۱۳۸۷ ق) الاحکام فی اصول الاحکام، قاهره، موسسه الحلبی.
- البدخشی، محمد بن الحسن (۱۹۹۳ م) شرح البدخشی علی منهاج الوصول فی علم الأصول، لبنان، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- البسام التیمی، عبد الله بن عبد الرحمن (۲۰۰۳ م) توضیح الأحکام من بلوغ المرام مکتبه الأسدی، عربستان، مکه المکرمة، مکتبه الأسدی.
- البصری المعتزلی، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق) المعتمد فی أصول الفقه، بیروت، لبنان، دار الکتب العلمیه.
- ابن النجار، تقی الدین محمد بن أحمد (۱۹۹۹ م) منتهی الإرادات فی جمع المقنع مع التنقیح و زیادات، مؤسسه الرساله.
- ابن تیمیه (۱۹۹۴ م) القواعد النورانیة الفقهیه، تحقیق عبد السلام محمد علی شاهین. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن سینا (۱۴۲۵ ق) جامع البدائع، لبنان، بیروت دار الکتب العلمیه.



- أبن عابدين (۱۴۰۶ ق) رد المحتار على الدر المختار شرح تنوير الابصار، كويت، وزارة الأوقاف و الشؤون الاسلاميه.
- ابن عربي، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ ق) احكام القرآن (ابن عربي)، محقق بجاوي، علي محمدبيروت، لبنان، دار الجيل.
- البهوتي، منصور بن يونس (۲۰۰۳ م) كشاف القناع عن متن الإقناع، لبنان، بيروت، دار الكتب العلمية.
- التغلبى الشيباني، عبد القادر بن عمر (۱۹۸۳ م) نيل المآرب بشرح دليل الطالب، كويت مكتبة الفلاح.
- جرجاني، علي ابن محمد (۱۳۷۰) التعريفات الجبر جانية، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- الخصاص، أحمد بن علي (۱۹۹۴ م) أحكام القرآن، بيروت، لبنان، دار الكتب العلمية.
- إمام الحرمين الجويني، عبد الملك بن عبد الله (۱۹۹۷ م) أصول الفقه، المحقق: صلاح بن محمد بن عويضة، دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان.
- الحريقي، حمد بن إبراهيم (۱۹۹۳ م) التوحيد وأثره في حياة المسلم، المملكة العربية السعودية، الرياض دار الوطن.
- حوى، سعيد (۲۰۰۳ م) الاساس في التفسير، قاهره، مصر، دارالسلام.
- خليل ابن اسحاق المالكي (۱۳۳۲ ق) جواهر الإكليل شرح مختصر الخليل، لبنان، بيروت، مكتبة الثقافية.
- الدسوقي المالكي، محمد بن أحمد، بدون تاريخ، الشرح الكبير للشيخ أحمد الدردير علي مختصر خليل، دار الفكر.
- الرجراجي الشوشاوي، حسين بن علي (۲۰۰۴ م) رفع النقاب عن تنقيح الشهاب، الرياض، مكتبة الرشد.
- السبكي، عبد الوهاب بن علي (۲۰۰۳ م) جمع الجوامع في اصول الفقهلبنان، بيروت، دارالكتب العلمية.
- سيوطي، عبدالرحمن بن ابى بكر (۱۴۰۴ ق) الدر المنثور في التفسير بالمأثور، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفي (ره).
- الشاطبي اللخمي، ابراهيم ابن موسى (۲۰۰۴ م) الموافقات في اصول الشريعة، لبنان، بيروت، دارالكتب العلمية.



- الشوکانی الیمنی محمد بن علی (م ۱۹۹۹ م) إرشاد الفحول إلى تحقیق الحق من علم الأصول، دار الكتاب العربی.
- الشیرازی، إبراهیم بن علی (م ۲۰۰۰ م) المذهب فی فقه الإمام الشافعی، لبنان، بیروت، دارالفکر الاسلامی الحدیث.
- الشَّیْئَانِی عبد القادر بن عمر (م ۱۹۸۳ م) نَیْلُ الْمَآرِبِ بِشَرْحِ دَلِیلِ الطَّالِبِ، کویت، مکتبه الفلاح.
- الصَّالَّابِی، علی مَحْمَد محمد (م ۲۰۰۱ م) الوسطیة فی القرآن الکریم، الإمارات، مکتبه التابعین.
- غزالی، محمد بن محمد (م ۱۹۹۳ م) المستصفی من علم الاصول، بیروت، لبنان، شرکه دار الارقم بن ابی الارقم. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (م ۲۰۰۷ م) القاموس المحيط، لبنان، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- القرطبی، مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ (م ۱۹۶۴ م) الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی، القاهرة، دار الکتب المصریة.
- اللكنوی، عبد العلی محمد بن نظام الدین (م ۲۰۰۲ م) فواتح الرحموت بشرح مسلم الثبوت، لبنان، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- المالکی، أبو بکر بن العربی (م ۲۰۰۳ م) أحكام القرآن، لبنان / بیروت، دار الکتب العلمیه.
- المرداوی، علی ابن سلیمان (م ۲۰۰۰ م) التحبیر فی شرح التحریر فی اصول الفقه الحنبلی، ریاض، مکتبه الرشد.
- المقدسی عبد الله بن أحمد (م ۱۹۹۳ م) روضة الناظر وجنة المناظر فی أصول الفقه، ریاض، مکتبه الرشد.
- المقری، أحمد بن محمد (م ۱۹۸۷ م) المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، بیروت لبنان، مکتبه لبنان.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۷۱ ش) کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران، نشر امیرکبیر.
- نکری، عبد النبی بن عبد الرسول (م ۲۰۰۰ م) دستور العلماء = جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون، لبنان / بیروت دار الکتب العلمیه.
- النووی، یحیی بن شرف (م ۱۹۹۴ م) الیضاح فی مناسک الحج و العمره، دار البشائر الإسلامیه.



سایت های اینترنتی

<https://www.ahlalhodeeth.com>

الموسوعة الفقهية الكويتية صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت عدد الأجزاء: ٤٥ جزءا
الطبعة: (من ١٤٠٤ - ١٤٢٧ هـ)

<http://www.islamweb.net>

الغنيان، عبدالله بن محمد، شرح فتح المجيد للغنيان دروس صوتی

<http://www.archive.org/details/Gonaiman-Majeed>

الغنيان، عبدالله بن محمد، شرح فتح المجيد للغنيان دروس صوتی

<http://alhazme.net>

الحازمي، أحمد بن عمر، شرح القواعد والأصول الجامعة والفروق والتقسيم البديعة النافعة، دروس صوتی از

www.eshia.ir

وليد السعيدان، تلقيح الاحكام بشرح القواعد الفقهية، ج ٢ ص ١ تا ٤ سایت مدرسه فقاها

<https://makarem.i>

سایت آیت الله مکارم شیرازی

<http://dictionary.abadis.ir>

فرهنگ لغت آبادیس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی